

رسول صلی الله علیه وسلم بمکه آمد که بر سر آن بن حصین مقدم
 بود و باشد سی سال شکم وی در دست کرد هر چند و بر آن گفتند
 که از آن داغ کن قبول نکرد تا آنکه دو سال بوفات وی ماند داغ کرد
 مطرف رحمة الله تعالی گوید که بر سر آن بن حصین ملائکه سلام می
 گفتند چون داغ کرد ترک سلام کردند چون آن داغ نیک
 شد و از آنش بر رفت مرگفت آنکس که بر من سلام می کرد
 نمود کرد و دیگر سلام میکند **عمره بن عمر و لاسلمی رضی الله عنه**
 از وی از آنکه در یکی از اسفار با رسول بود صلی الله علیه وسلم
 در شبی تاریک شتر بارید و مناعهای ایشان بعضا و انگشتان
 حمزه بن عبد المطلب در رضی الله عنه چون جمل غر و شتر بشمارند
 هر چه از شتران افتاده بود یا فتنه و بر شتران بار کردند
سلمان فارسی رضی الله عنه وی از اصفهان بوده است
 کنیت وی ابو عبد الله است امیر المومنین عمر رضی الله
 عنه و بر او ای بر این ساخت و در وقت خلافت عثمان
 رضی الله عنه در مداین وفات کرد و قال اهل العلم بالبصره

سلمان بن المؤمن ادرك وضعه فقبلي بن مريم عليه السلام و عاش
 ما بين يميني من سببه و يقال ان من انزل الله على رسوله صلى الله عليه
 و آله من قبل ان يبعثه انزل الله عليه و سلم و قال صلى الله عليه
 و آله انما سابق العرب و صهيب سابق الروم و سلمان سابق
 الفرس و بلال سابق الحبشة و رسول الله صلى الله عليه و سلم در روز
 خندق در حق وی فرموده است که سلمان مثل اهل البيت
از وی از آنکه که چون وفات وی نزدیک رسیده است
 خاتون خود را گفت که مقدار مشک در شستنی چه کردی از آنکه در آب
 کن و بر آنم زن و آن آب را در بوالی سیر من بپاش که حال
 قوی خواهد آمد که نه از آنسازند و نه جن خاتون وی گفته که چون
 آنچه فرمودی بجای آوردم و سیر من رفتم از درون خانه او از آمد
 السلام عليك يا ولي الله السلام عليك يا صاحب رسول الله
 چون در آمدیم دیدیم که روح وی محارقت کرده است و بر وی
 فرشتگان و جنان خصمه است که کویا در خواست سعید بن مسیب
 از عبد الله بن سلام رضی الله عنه روایت کرده است که وی گفته

سلمان بن المؤمن